

روحانیان در دانشگاهها به بررسی گونه‌های مختلف این حضور نیز پردازیم:

انگیزه‌های حضور روحانیان در دانشگاهها

در مورد علل این حضور، بدون در نظر گرفتن نحوه و شکل حضور بر دو عامل تکیه می‌کنیم:

۱. رسالت دینی

روحانیت به عنوان یک سازمان متشکل عهده‌دار مسؤولیت‌های دینی در جامعه است. دوران غیبت کبرا و بلکه پیش از آن، مردم در مشکلات دینی خود، به روحانیت مراجعه می‌کرده‌اند و آنان پاسخ‌گوی این مشکلات بوده‌اند و این ارتباط تنها در مقوله انفعالی شکل نگرفته است و حالت فعال نیز داشته است؛ یعنی روحانیان بر اساس رسالت دینی که بردوش آنان نهاده شده است به سوی مردم کوچ کرده‌اند و آنان را به اسلام فراخوانده‌اند. با توجه به این نکته، شرائط زمانی و مکانی نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه ارتباط مردم با روحانیت داشته است. حضور روحانیان در صحنه‌های مختلف و نهادهای گوناگون اجتماعی، معلول این شرائط است. در سده اخیر، تشکیل مجامع دانشگاهی و حضور طالبان علم در این مجامع در رشته‌های مختلف علمی رسالت جدید و سنگینی را برای روحانیان رقم زد و آنان نیز از زیر بار این مسؤولیت، شانه خالی نکرده و به این مهم همت گماشتند و به تقویت بنیه دینی پرداختند. تلاش روحانیان برای بالا بردن سطح آگاهی‌های دینی جوامع علمی دانشگاه پرورنده خاص خود را دارد که به بحث درباره آن خواهیم پرداخت. با این حال، یادآوری این نکته هم ضروری است که وقتی سخن از رسالت دینی روحانیت می‌رود، منظور برتری اعتقادی و ایمانی روحانیان بر سایر اقلها نیست. ایمان در اعتقاد انسانها یک مسأله شخصی است و ربطی به صنف و گروه خاصی ندارد.

نقد صوفی نه همه صافی و بی غش باشد

ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد

بنابراین انجام رسالت دینی با آگاهی‌های دینی که روحانی دارد از وظائف اوست، چنانکه معالجه بیمار رسالت پزشکی یک پزشک است و نشان برتری او بر بیمار نیست.

و نیز باید توجه داشت که وقتی سخن از یک تخصص به میان می‌آید مسأله صنف و گروه پیش می‌آید و خارج کردن رسالت دینی از

حضور روحانیان در دانشگاهها

مهدی ابراهیمی

وحدت حوزه و دانشگاه از مقدس‌ترین آرمانهای انقلاب اسلامی است که ۲۷ آذرماه بهانه‌ای است برای گرامی داشت آن. میوه شیرین انقلاب اسلامی که از نتایج اتحاد طلبه و دانشجو بود، اندیشه و ران را بر آن داشت تا بعد از انقلاب نیز همت بیشتر گمارند و از آفت زدگی آن نمره جلوگیری کنند و برشهد آن بیفزایند. در مقوله وحدت سخن بسیار است و مشتاقان از زوایای گوناگون، به آن می‌نگرند. ما در این مقال کوتاه، نگاهی گذرا خواهیم داشت بر یکی از جلوه‌های وحدت، یعنی حضور روحانیون در دانشگاهها. روشن است که این حضور، نشانه اهتمام یک سویه به وحدت نیست. حضور در صحنه‌های فرهنگی زمینه‌ساز طرفینی لازم دارد. از این روی، حضور روحانیان در دانشگاهها از جلوه‌های وحدت حوزه و دانشگاه است، چنانکه حضور جمعی از اساتید دانشگاه در حوزه برای تدریس علوم مختلف دانشگاهی، از دیگر مظاهر این وحدت است.

حضور روحانیان در دانشگاهها، پیشینه‌ای طولانی قبل از انقلاب اسلامی دارد و ارتباط روحانیان با دانشگاهیان در اشکال گوناگون، پیوند مستحکمی را بین این دو قشر رقم زده است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی استمرار آن پیوند در گونه‌های گسترده‌تری نیز تحقق یافته است. در این نوشتار سعی بر آن است که ضمن بیان علل حضور

مسئولیت صنفی روحانیت، دین را ازین می برد. البته این سخن بدان معنی نیست که غیرروحانیون نباید درد دین داشته باشند و به رسالت دینی پردازند، بلکه سخن برسر وظیفه و مسئولیت خواستن است و البته به هر اندازه این صنف از نواقص میرا باشد مسئولیت خود را بهتر انجام خواهد داد.

۲. رسالت علمی

یکی از انگیزه های مهم حضور روحانیان در دانشگاهها، اهتمام آنان به تعلیم و تعلم بوده است. اسلام دین علم است و به دانش اندوزی ارج می نهد و روحانیان با توجه به این مسأله مهم قدم به عرصه علمی دانشگاهها گذاشته اند و در فنون مختلف علمی در کنار سائراقتدار به کسب علم یا به تدریس پرداخته اند. وجه بسا با ایفاء رسالت علمی در انجام رسالت دینی خود نیز موفق تر بوده اند. حال با توجه به دو انگیزه ای که بیان شد باید به این نکته پردازیم که روحانیان از بدو تأسیس دانشگاهها به اشکال مختلف با مجامع دانشگاهی در ارتباط بوده اند و در این نوشتار به بررسی و تحلیل اجمالی صحنه های گوناگون حضور روحانیان در دانشگاهها می پردازیم:

بررسی گونه های حضور روحانیون در دانشگاهها

همان گونه که بیان شد، حضور روحانیان منحصر به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیست، گرچه بعد از پیروزی انقلاب حضور فعال تر و گسترده تری را شاهد هستیم؛ لذا بدون در نظر گرفتن شاخصهای زمانی (قبل و بعد از انقلاب) گونه های حضور را بیان کرده و به تحلیل آنها می پردازیم:

۱. اساتید و اعضای هیأت علمی

بسیاری از روحانیان با توجه به رسالت علمی که گفتیم و با توجه به استعداد های شخصی خودشان موفق شده اند مدارج عالی دانشگاهی را طی کنند و با کسب مدارک دانشگاهی به عنوان اعضای هیأت علمی در دانشگاه به تدریس پردازند. با توجه به زمینه های علمی حوزوی، گرچه شمار زیادی از آنان در دانشکده های الهیات و در رشته های فلسفه اسلامی و فقه و مبانی حقوق و علوم قرآنی و ادیان و عرفان و تاریخ و تمدن اسلامی به تدریس اشتغال دارند، ولی در سایر رشته های علمی نیز، ما شاهد حضور فعال روحانیان به عنوان استاد هستیم مانند: رشته های حقوق، علوم تربیتی، ادبیات فارسی و انگلیسی و هم چنین دیگر رشته های علمی.

بسیاری از روحانیان نیز که به عنوان اعضای هیأت های علمی مشغول به تدریس هستند، گرچه مدرک رسمی دانشگاهی ندارند، اما گواهی تدریس به عنوان خبرگان بدون مدرک دارند و یا افرادی هستند که سالیان پیش از انقلاب در آزمون مدرسی دانشگاه موفق به اخذ مدرک شده اند.

حضور در این صحنه علمی فایده های زیادی را به دنبال داشته است. شخصیهایی مانند: شهید مطهری، شهید دکتر مفتاح، شهید دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر که از همین مسیر وارد دانشگاه شدند، نه تنها به عنوان اساتید برجسته علمی در دانشگاه مطرح شدند و توانستند رسالت علمی خود را به خوبی انجام دهند که حاملان رسالت دینی نیز بودند و برآن امر مهم نیز به درستی فائق آمدند. روحانیان با حضور فعال در صحنه های علمی باید این ذهنت غلط را از جامعه بزدایند که روحانی یعنی کسی که فقط به کارهای محدود سنتی دینی می پردازد و توان انجام فعالیت های علمی دیگر را ندارد. اینان با این حضور نشان دادند علاوه بر این که می توانند رسالتهای مقدس دینی را ایفاء کنند، در ردیف دیگر شخصیهایی علمی و چه بسا برتر از دیگران به رسالت علمی نیز پردازند. خصوصاً در زمان پیش از انقلاب که تلاش حاکمیت در جهت دین زدایی از جامعه مصرف می شد و سعی بر آن بود که نسل جدید علمی یا دین بیگانه باشند تا استعمار بتواند به هدفهای شوم خود به راحتی دست یابد، مصلحان دینی راه را درست تشخیص دادند و با قدرت علمی در صحنه علمی دانشگاه حضور پیدا کردند تا بر همه پایه ها خط بطلان کشند و چه زیبا در جامعه بعد از انقلاب، روز شهادت استاد مطهری روز معلم و روز شهادت دکتر مفتاح روز وحدت روحانی و دانشجو نام گرفت تا بهانه ای باشد برای حرکت جدی تر در جهت ارج نهادن به این دو امر مهم و حیاتی.

ما، این حرکت را از ناحیه روحانیان می ستاییم و برای پیشگامان از آنان که در عرصه علمی دانشگاه حضور یافتند احترام قایلیم و امید آن داریم که این حرکت ادامه پیدا کند، زیرا گرچه پس از انقلاب در پرتوی حکومت اسلامی زندگی می کنیم، اما حضور در صحنه علم، هیچ گاه تقدس خود را از دست نمی دهد و چه بسا حضور روحانی عالم در این میدان تأثیر دینی عمیقی بر قلب مخاطب می گذارد که دهها منبر و محراب نمی توانند چنین مؤثر باشند، گرچه در جای خودشان قابل ستایش و تقدیر باشند.

بنا بر این، افزون بر این که این حرکت باید به طور جدی تر دنبال شود، یادآوری این نکته، ضروری است که نباید کسانی را که وارد این

میدان شده اند، متهم به بی سوادی کرد، بلکه اینان می توانند مصلحان و دلسوزان و اندیشه وران دینی به شمار آیند.

۲. طلاب دانشجو

در راستای دستیابی به مقامات علمی، دانش پژوهی طلاب حوزه علمیه در دانشگاهها از کارهای مقدماتی است. در سالهای اخیر طلاب دانشجو حضور گسترده تری را در مجامع دانشگاهی در رشته های مختلف علمی مانند رشته های پزشکی، فنی و مهندسی علاوه بر رشته های علوم انسانی دارند. البته این اظهار خشنودی به منزله به فراموشی سپردن رسالت دینی آنان نیست و روا نیست که طلبه حوزه علمیه از مسؤولیت دینی خود غافل باشد و چه خوب است که مسؤولان حوزه های علمیه، پس از آن که طلبه ای از نظر معلومات حوزوی به حدی رسید که می تواند رسالت دینی خود را در جامعه به خوبی انجام دهد و از این نظر مورد اعتماد است، چنانچه می خواهد با ذوق و علاقه شخصی خود قدم به عرصه تحصیل علم در رشته های دیگری بگذارد، مانع تراشی نکنند و جلوی شکوفایی استعداد او را نگیرند، چه بسا این بازدارندگی، آنان را تبدیل به مهره های بیهوده و باطل می کند و رسالت اصلی خود را نیز فراموش می کنند.

حضور روحانیان در این صحنه فعالیت که بیان شد، منحصر به پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیست. گرچه شرایط زمانی در کم و کیف آن مؤثر بوده است و روحانیان بدون هیچ امتیازی مانند سایر افراد در این دو صحنه مشغول فعالیت هستند.

۳. اساتید دروس معارف اسلامی

پس از انقلاب فرهنگی، درسهای در واحدهای درسی دانشجویان گنجانده شد که هدف از تدوین آنها آشنایی دانشجو در دوران تحصیل با معارف اسلامی بود و برای تدریس این دروس، مقرر شد از وجود روحانیانی استفاده شود که زمینه تدریس و آگاهیهای لازم برای این زمینه را داشته باشند. مجموعه درسهای معارف اسلامی که در دوره کارشناسی و دکتری پیوسته در دانشگاهها تدریس می شوند، پس از تغییرات جزئی که در تعداد واحدها در سال ۷۳ داده شد عبارتند از:

الف. درس معارف اسلامی ۱: این درس به منظور آشنایی دانشجو با مباحث خداشناسی ارائه می گردد و سعی بر آن است که در این درس دانشجو با مباحث جهان بینی های الهی و مادی، استدلالهای خداشناسی، صفات خداوند، یگانگی خداوند، عدالت خداوند، جبر و اختیار و انگیزه های خداجویی در انسان آشنا شود.

ب. درس معارف اسلامی ۲: این واحد درسی که در حقیقت ادامه همان معارف یک است به بحث درباره مباحث نبوت و امامت و معاد می پردازد و دانشجو با گذراندن این درس با مباحثی مانند فلسفه نبوت و انگیزه بعثت پیامبران، معجزه پیامبران، عصمت پیامبران، استدلالهای عقلی و نقلی بر امامت و مباحثی پیرامون معاد آشنا می گردد که البته متأسفانه به دلیل گستردگی مباحث و کمبود وقت، اکثر اساتید موفق به تدریس کامل این مباحث نمی شوند.

ج. درس اخلاق و تربیت اسلامی: هدف از ارائه این درس بالا بردن سطح اخلاقی و تربیتی دانشجویان است و سعی استاد بر این است که دانشجو را با بحثهای اخلاقی و راههای رسیدن به کمال انسانی و نحوه تربیت صحیح اسلامی آشنا کند. عموم دانشجویان از این درس بیشتر انتظار اصلاح عملی در رفتار خود را دارند.

د. درس تاریخ اسلام: آشنایی با معارف اسلامی اقتضاء می کند که دانشجو با حوادث تاریخ اسلام نیز آشنا باشد. این درس گرچه به طور عمده به شرح زندگی و تحلیل وقایع زمان پیامبر (ص) می پردازد، اما دانشجویان بیشتر انتظار دارند زندگی دیگر پیشوایان معصوم دینی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

ه. درس انقلاب اسلامی و ریشه های آن: انقلاب اسلامی ایران از مهم ترین حادثه های تاریخی در سطح جهان به شمار می آید و توجه بیشتر صاحب نظران را به خود جلب کرده است، از این روی لازم است دانشجویان که عموماً از قشر جوان جامعه اند و کمتر با حوادث انقلاب آشنایی دارند، با انقلاب اسلامی آشنا گردند. لذا به منظور شناخت انقلاب و ریشه های آن، این درس ارائه می گردد و اساتید با بیان مباحث تاریخی و عقیدتی نظیر جایگاه مباحث سیاسی در تفکر دینی و بیان ریشه های عقیدتی انقلاب از نظر اسلام و مباحثی مانند بحث درباره نهضتها و حرکتها اسلامی در سده های اخیر ایران، سعی می کنند، دانشجویان را با ریشه های انقلاب آشنا کنند و سپس به بیان ماهیت انقلاب اسلامی و مباحثهای مربوط به آن پردازند.

و. آشنایی با متون اسلامی: هدف از ارائه این درس، آشنایی بیشتر دانشجویان با زبان عربی به منظور فهم بهتر متون اسلامی قرآنی و حدیثی است و برای تدریس آن یک متن عربی انتخاب می شود و استاد به ترجمه و قواعد آن می پردازد.

کلیه دروس ارائه شده هر کدام به ارزش ۲ واحد دانشگاهی است که مجموعاً ۱۲ واحد می شود. بحث در کیفیت و کمیت درسهای

معارف اسلامی مجال دیگری را می طلبد. اما در یک نگاه اجمالی و کلی باید گفت به دلیل آن که این دروس نوپایند، اساتید آن نقش اصلی را در مثبت و منفی جلوه دادن آنها بازی می کنند. دانشجویان از اساتید این درسها انتظار ویژه ای دارند. می خواهند آنان با روی باز و خوش خلقی و بدون تعصب، مطالب دینی را برای آنان بشکافند و به پرسشها و ابهامات دانشجویان پاسخ دهند و برای این کار معلومات لازم و مفید را داشته باشند. نکته بر این نکات، مسائلی است که همیشه در ارزیابیهای به عمل آمده از دانشجویان مورد توجه آنان بوده است و نظر مثبت و منفی آنان گرد این محورهاست. بنابراین شرط اصلی و اوکی این درسها، مهارت گسترده و فراگیر استاد است. هر دانشجو حدود ۲۰۰ ساعت از عمر تحصیلی خود را با اساتید معارف سپری می کند، در نتیجه، تقویت و تحکیم جایگاه این درسها در آینده ای نه چندان دور نصیب جامعه می گردد، یعنی روزی که مدیران و مسؤولان ما از قشر دانشجوی امروزی برمی خیزند و اگر امروز، آنان به گونه ای مناسب با اسلام آشنا نشوند، فردا بسیار دیراست.

۴. تبلیغ سنتی دین در دانشگاهها

به برکت حاکمیت اسلامی و وجود انسانهای مؤمن و مخلص در دانشگاهها، جو عمومی دانشگاهها اسلامی است و در این فضای اسلامی تعظیم شعائر دینی رایج و مرسوم است. در بسیاری از مراکز دانشگاهی، نماز جماعت اقامه می گردد و در ایام مذهبی مراسم خاص دینی اجرا می شود و طبعاً اجرای مراسم یادشده، با حوزه و روحانیت ارتباط پیدا می کند.

تبلیغ در قالب سنتی و در محیط دانشگاه، کاری بس خطیر و دشوار است و از عهده هر روحانی ای ساخته نیست؛ از این روی، کسانی که به این مهم همت می گمارند، باید کاملاً به مخاطب و جو حاکم بر محیط توجه داشته باشند، تا این تبلیغ افزون بر این که تعظیم شعائر دینی است، به بالا بردن سطح آگاهی دینی در مخاطبان نیز کمک کند و موجبات وهن و سستی دین را فراهم نیاورد.

۵. مشاغل اجرایی و اداری دانشگاهها

شماری از روحانیان در پستهای اجرایی و اداری در دانشگاهها مشغول به خدمت هستند و با توجه به عنوان روحانیت و حساسیت کارهای اجرایی وظیفه سنگینی را به عهده دارند و کوچکترین کوتاهی

آنان در این پستها علاوه بر ضعف شخصی آنان به حساب روحانیت نیز گذاشته می شود. بنابراین، اگر بتوانند در این پستها خوب انجام وظیفه کنند، افزون بر انجام مسؤولیت اداری به ایفاء مسؤولیت دینی خود نیز موفق شده اند.

۶. دفترهای نهادهای نمایندگی مقام معظم رهبری:

رسمی ترین و قوی ترین تشکیلات دینی در دانشگاهها همین دفترها هستند که با نصب مسؤولین از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، به ایفاء وظیفه می پردازند. شرح وظایف این دفاترها، مقوله ای جداگانه ای را می طلبد. با توجه به اینکه مدیریت دینی و نظارت دینی در دانشگاهها که مزین به عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی است، به این دفاترها واگذار شده است، جامعه دانشگاهی این دفاترها را پناهگاه و ملجأ دینی در دانشگاه به حساب می آورد و این خود، مسؤولیت دشواری را بر دوش مسؤولین دفاتر می گذارد و درایت کافی را از سوی آنان طلب می کند و حساسیت کار اقتضاء می کند که کوچکترین تصمیم عجولانه و غیر منطقی، پایه بسیاری از فعالیتهای فرهنگی دینی را به هم بریزد.

در مجسوع، گزارش سریع و کوتاه فوق، نشانگر آن است که روحانیت در زمینه های مختلف با دانشگاه ارتباط برقرار کرده است. این پیوند، شمشیر دلبه خواهد بود، می تواند بستری برای پیوندهای فزاینده قرار گیرد، دلها را به یکدیگر نزدیک کند، متدها و شیوه های قابل دسترسی را در اختیار دو نهاد قرار دهد، زمینه های تبادل دیدگاهها را بگشاید و...

از سوی دیگر، ارکان و ابواب باز شده، می تواند به سدا راههای جذب و ارتباط بینجامد، فاصله بیافریند، و «حوزه» و «دانشگاه» را در دو سوی متقابل قرار دهد.

در این میان، براندیشوران و تیزهوشان دو نهاد است که ارج حضور را بشناسند و به مقدمات و لوازم آن بیندیشند و همزایی و هممدلی را بر تعصب و پیشداوری ترجیح دهند و این مهم جز با گشایش مداوم روحیه سعه صدر و شنودن چند و چونها و تلاش در رفع کاستیها میسر نخواهد بود.